

زرتشتی دن زرتشت

مقالاتی از داثنامه ایرانیکا

ویراستار: محسن نظری فارسانی

زرتشت و دین زرتشتی

مقالاتی از

دانشنامه ایرانیکا (Encyclopædia Iranica)

ویراستار

محسن نظری فارسانی



فروهر

تهران، ۱۳۹۷

عنوان قراردادی	دانشنامه ایرانیکا
عنوان و نام پدیدآور	Encyclopædia Iranica زرتشت و دین زرتشتی / مقالاتی از دانشنامه ایرانیکا؛ مترجمان به ترتیب القا مهرداد خسرویانی... [و دیگران]؛ ویراستار محسن نظری فارسانی.
مشخصات نشر	تهران: سازمان انتشارات فروهر، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	۱۸۶ ص.: مصور.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۷۸۴۴-۱۲-۰
وضعیت فهرست نویسی	فیا
یادداشت	مترجمان به ترتیب القا مهرداد خسرویانی، شاهین شهزادی، مهرداد عادل، مهران قندی پارسی، بهنام مرادیان، محسن نظری فارسانی، پروا نمیرانیان
موضوع	زردشت، پیامبر ایرانی
موضوع	Zoroaster
موضوع	زردشتی -- مقاله ها و خطابه ها
موضوع	Zoroastrianism -- Addresses, essays, lectures
شناسه افزوده	خسرویانی، مهرداد، مترجم
شناسه افزوده	نظری فارسانی، محسن، ۱۳۶۱-، ویراستار
رده بندی کنگره	BL ۱۵۷۵ / ز ۴ ۱۳۹۷
رده بندی دیویی	۲۹۵
شماره کتابشناسی ملی	۵۲۹۹۴۴۸

زرتشت و دین زرتشتی مقالاتی از دانشنامه ایرانیکا



کانون دانشجویان زرتشتی

ویراستار: محسن نظری فارسانی
مترجمان (به ترتیب القا): مهرداد خسرویانی، شاهین شهزادی، مهرداد عادل،
مهران قندی پارسی، بهنام مرادیان، محسن نظری فارسانی، پروا نمیرانیان



نشر فروهر

طراح جلد: سیلوش مزدپور

چاپ اول: ۱۳۹۷

شمارگان: ۵۰۰ جلد

چاپ و صحافی: تفرید

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۸۴۴-۱۲-۰

همه حقوق برای کانون دانشجویان زرتشتی محفوظ است.



گروه پژوهشی

یادگار بلستان

مؤسسه فرهنگی انتشاراتی فروهر

مرکز پخش و فروش: خیابان انقلاب، خیابان فلسطین جنوبی، پلاک ۲۶۱، تلفکس:

۶۶۴۶۲۷۰۴

فهرست

پیشگفتار.....	۷
زرتشت.....	۹
۱. نام.....	۱۱
رودیگر اشمیت/ ترجمه مهرداد خسرویانی	
۲. بررسی کلی.....	۱۹
ویلیام مالاندر/ ترجمه محسن نظری فارسانی	
۳. زرتشت در اوستا.....	۴۷
مانفرد هوتر / ترجمه مهران قندی پارسی	
۴. در کتاب‌های پهلوی.....	۶۱
آ. و. ویلیامز / ترجمه پروا نمیرانیان	
۵. انگونه که یونانیان دریافتند.....	۷۹
راجر بک / ترجمه پروا نمیرانیان	
۶. انگونه که پس از روزگار باستان در اروپای غربی دریافت شده.....	۸۹
میشائیل اشتاوسبرگ / ترجمه پروا نمیرانیان	
۷. انگونه که زرتشتیان متأخر دریافتند.....	۱۰۱
جنی رز/ ترجمه مهرداد عادل	
دین زرتشتی.....	۱۱۳
۱. مرور تاریخی: از آغاز تا فتح اعراب.....	۱۱۳
ویلیام مالاندر/ ترجمه شاهین شهزادی	
۲. مرور تاریخی: از غلبه اعراب تا دوران نوین.....	۱۳۱
جمشید ک. چوکسی / ترجمه و تلخیص بهنام مرادیان	
کتاب‌نامه.....	۱۶۹

پیشگفتار

کتاب زرتشت و دین زرتشتی، مجموعه مقالاتی از دانشنامهٔ ایرانیکا است که در آنها به بررسی دین و فرهنگ زرتشتی در دو دورهٔ زمانی، یعنی «از آغاز تا حملهٔ اعراب» و «از حملهٔ اعراب تا دوران نوین» پرداخته شده است. شخصیت اشوزرتشت، مطالبی که از ایشان در کتاب اوستا و کتاب‌های پهلوی آمده، و همچنین برداشت‌هایی که مردم اروپای غربی، یونانیان و زرتشتیان متأخر از شخصیت این پیامبر ایرانی داشته‌اند، مطالبی است که در این مقالات مورد بحث و تحلیل قرار گرفته است.

زرتشت و دین زرتشتی در حقیقت حاصل برگردان مقالاتی است که در بخش ترجمهٔ بیست و چهارمین همایش اوستاخوانی و گاتاشناسی مانتره از انگلیسی به فارسی ترجمه و ارائه شده بود. بنیان‌گذاری همایش اوستاخوانی و گاتاشناسی مانتره و برگزاری نخستین دورهٔ این همایش‌ها به سال ۱۳۷۳ خورشیدی بازمی‌گردد. کانون دانشجویان زرتشتی با هدف ترغیب بیشتر زرتشتیان به مطالعه، پژوهش و تفکر دربارهٔ دین و فرهنگ زرتشتی و ایرانی، این همایش را در دو بخش اصلی اوستاخوانی و گاتاشناسی بنیان نهاد. در بخش گاتاشناسی — که بخش ترجمه را نیز شامل می‌شود — محققان و پژوهشگران زرتشتی نتیجهٔ مطالعات و پژوهش‌های خود را به صورت مقاله و سخنرانی ارائه می‌دهند. بخش ترجمه، عمری کوتاه‌تر از همایش مانتره دارد و از شانزدهمین

دوره این همایش‌ها بدان افزوده شد، با این قصد و نیت که محققان با منابع غیرفارسی درباره دین زرتشتی بیشتر آشنا شوند و دیدگاه‌های مستشرقان و پژوهشگران غیرایرانی را مورد بررسی و نقد قرار دهند.

اکنون مسروریم که توانسته‌ایم در آستانه برگزاری بیست و پنجمین دوره همایش اوستاخوانی و گاتاشناسی مانتره و بعد از برگزاری هفده دوره از همایش ترجمه مانتره، دستاورد این بخش را منتشر و در اختیار علاقمندان به فرهنگ ایرانی قرار دهیم. درود و سپاس خود را تقدیم می‌کنیم به داوران این بخش خانم‌ها دکتر کتابون نمیرانیان، ماندانا معاونت، موبدیار دکتر پروا نمیرانیان، دکتر مینو مهربانی و آقای دکتر بهمن مرادیان و تمام کسانی که ما را در برگزاری هرچه بهتر این بخش یاری کردند. در پایان صمیمانه سپاسگزاری می‌کنیم از کمک دلسوزانه و ویرایش دقیق جناب آقای دکتر محسن نظری فارسانی و یآوری‌های خانم دکتر فرزانه گشتاسب که از ابتدا تا انتهای این راه در کنار ما بودند.

کانون دانشجویان زرتشتی

امرداد ۱۳۹۷

زرتشت

Zoroaster نام عموماً شناخته شده در غرب برای پیامبر ایران باستان، با تحوّل در دین اجدادی اش جنبشی به پا کرد که سرانجام دین غالب در ایران تا زمان پیروزی اسلام شد. به این موضوع در این مدخل ها پرداخته می شود:

۱. نام

۲. بررسی کلی

۳. زرتشت در اوستا

۴. در کتاب های پهلوی

۵. آنگونه که یونانیان دریافتند

۶. آنگونه که در اروپای غربی دریافته شد

۷. آنگونه که زرتشتیان متأخر دریافتند

۱. نام

رودیگر اشمیت/ ترجمه مهرداد خسرویانی

صورت گاهانی و مشتقات آن. شکل درست نام زرتشت آن است که در سروده‌های خودش، گاهان، آمده و تصدیق شده است: *Zaraθuštra* (در اوستای غیر گاهانی نیز به همین صورت به کار رفته است. ارجاعات به‌طور کامل در *Schlerath, 1971, pp. 134 f.* فهرست شده‌اند). مشتقاتی مانند *zaraθuštri* «از نسل / مربوط به زرتشت؛ زرتشتی» یا *zaraθuštrō.tama* «زرتشتی‌ترین» از آن ساخته شده است. گرچه ساخت این واژه از لحاظ آوایی نتیجه تحولی بی‌قاعده است (ادامه را بنگرید)، ولی صورت اوستایی *-θ*-دار آن از لحاظ زبان‌شناختی یک صورت حقیقی بود، چنانکه مصداق‌های متأخر هم بازتاب همین صورت بنیادین را نشان می‌دهند: اشکانی مانوی *zrhwšt* (*Zar(a)hušt* با تبدیل *-θ* به *-h*)، سغدی مانوی *zrwšc*, *'zr'wšc* (*Z(a)rušč*), *zr(')wšc* که صورت *zrwšc* در اویغوری مانوی و *suo-luo-čje* در چینی از آن آمده‌اند (قس. ارجاعات در *Bailey, 1953, p. 40, n. 6*). در مقایسه با این صورت‌ها، صورت‌های فارسی یعنی پهلوی کتابی و کتیبه‌ای *zltw(h)št Zar(a)du(x)št* (با *-ušt* از *-uxšt* که برآمده از **-uštra* < *-uršt* ایرانی باستان است) و فارسی نو *-dušt*, *Zarātušt*, *-dušt*, *Zartušt* (که صورت‌های *Zardušt*, *Z(a)rādušt* در سریانی و *Zarā/ādušt* در ارمنی برگرفته از آن

هستند)، همین‌طور فارسی میانه مانوی *zdrwšt* (Zar(a)društ) قلب در صورت کهن **Zar(a)duršt* را نشان می‌دهد (نیازمند این است که صورت اولیه‌ای با *-t-* درون واژه، **Zaratuštra-*، در نظر بگیریم، به همین گونه برای *Zaraθuštra-* اوستایی (حدس بازگشت *-θ-* به *-t-* در صورت‌های فارسی کمکی نمی‌کند). بازتاب صورتی با *-θ-* یا *-t-* در **Zaraθ/tuštriš = zrtštrš* ارمنی (اسم خاص یا عام) در یک مهر سده چهارمی نیز دیده می‌شود (قس. Schmitt, 1997, pp. 922 f.). همچنین صورت *Jarathuštra-* سنسکریت (در ترجمه نریوسنگ از اوستا) و صورت *Zarathroústēs* در یونانی بیزانسی (منتها با قلب در واژه؛ در آثار کاسماس^۱ اورشلیمی [سده هشتم میلادی]، در جای دیگر گونه *Zōrothrystēs* را به کار برده است، که پس از صورت معیار یونانی به *Zōroástrēs* تغییر یافت) به صورت اوستایی واژه بسیار نزدیکند. صورت *Zathrāstēs* نام یک قانونگذار در اثر دیودور ۱،۹۴،۲ (قس. Schmitt, 1996, p. 94; Gnoli, 2000, p. 100) نیز بر این پایه پای گرفته است (تنها با جابجایی *ر* و کوتاه‌سازی ناهمگون از **Zarathr^o*). تغییرات و بازتفسیرهای صوری مهم در صورت‌های یونانی *Zōroástrēs* (و *Zōróastris*) و ارمنی *Zradašt*, *Zradešt* در ادامه بررسی می‌شود، ولی صورت‌های کوتاه‌تر همچون *Zarátās*, *Záratos*, *Zarádēs* یونانی و *Zaratus* لاتین (بنگرید به نمایه Bidez-Cumont, 1938, p. 389b) ظاهراً اشکال فشرده نام پیامبر هستند، و به بررسی نام *Zaraθuštra-* مربوط نمی‌شوند.

ریشه‌شناسی. درباره ریشه‌شناسی صورت اوستایی، و در کل صورت‌های ایرانی این نام و پیوند آنها با برخی گویش‌ها نظرات متعددی بیان شده است. تنها نکته‌ای که همه در آن اتفاق نظر دارند این است که بخش دوم واژه *uštra-* «شتر» است (در دیگر نام‌ها هم دیده می‌شود). چون بخش نخست واژه با یک واج دندانی پایان می‌یابد، در این مورد چیزی شبیه *-zarat**، قاعداً می‌بایست صورت

*Zaraṭ.uštra- یا (در کتابت پیوسته) *Zaraḍuštra- می‌داشتیم، این تحول خلاف قاعده نیاز به توضیح دارد. بازسازی‌های واج‌شناختی و واژه‌شناختی‌ای که تاکنون در توجیه -θ- بیان شده همه حدسیاتند، از جمله: واج حلقی آغازین در *Huštra- (Werba, 1982, p. 173)، بخش دوم واژه در اصل وامواژه *uštra- «شتر» بوده است، صورت اصلی *Zarati-uštra- بوده است (با افتادن -i- در گروه واجی *-θi-)، و صورت فرضی *Zarat-huštra- در سغدی باستان («با hu سرمست» Gershevitch, 1995, 4a). منطقی‌تر این است که این نام را بازمانده‌ای از یک اصل گویشی و صورت اوستایی غیراصیل بدانیم، بدون کوتاه آمدن از توجیه آوایی واج -θ-، چنانکه تیمه (f. 124, pp. 1981) پیشنهاد کرده، و صورت *Zaratruštra- را با احتمال افزایش یک -r- و ناهمگون‌سازی متعاقب آن بازسازی کرده است. اما هنوز مشخص نیست که این صورت فرضی در چه مرحله‌ای از انتقال متون اوستایی به وجود آمده است.

در کل، *Zarat-uštra- ایرانی باستان پشت صورت‌های مختلف فرضی در زبان‌های ایرانی قرار دارد (گونه *Zara-uštra- ایرانی باستان فقط بر اساس Zōroāstrēs یونانی فرض و بازسازی شده است). تفاسیر مختلفی برای *zarat-، که شاید صورت ضعیف *zarant- باشد، ارائه شده است. برخی آن را *zarant- «پیر» می‌دانند (برابر با -jārant- ودایی، بسنجید با zæronδ آسی) و واژه را «دارنده شتران پیر [بهتر: سالخورده]» معنی می‌کنند. تفسیر دیگر از *zarat- «به حرکت درآوردن، راه بردن» آغاز می‌شود (بسنجید با zarš اوستایی به معنی «کشیدن، به دنبال خود بردن» Bailey, 1953, pp. 36-42) با معنی «کسی که شترها را حرکت می‌دهد (یعنی می‌تواند هدایت کند)» یا «کسی که شترها را می‌پروراند/ مراقبت می‌کند». دیگری معنی *zarat- را «آرزومند، مشتاق» می‌گیرد (بسنجید با -har «دوست داشتن» ودایی و، با وجود ابهام و تردید برابر آن در اوستایی: zara-) با معنی «کسی که خواهان شترهاست». دیگری معنی «خشمگین، عصبانی» را برای *zarat- پیشنهاد می‌کند، و معنی اسم را «دارنده شتران خشمگین» می‌داند. سرانجام، با «زرد» معنی کردن *zarat- (برابر با -zairi- در اوستای غیرگاهانی، قس.

Werba, 1982, pp. 184 f. به معنی «دارنده شتران خشمگین» رسیده‌اند. بحث‌های دامنه‌دار در سال‌های اخیر (Mayrhofer, 1977a, pp. 46-53; Mayrhofer, 1977b, pp. 105 f. no. 416; Mayrhofer, 1977c; Schlerath, 1977) داده است که حتی اگر در عرض هم قرار دادن -zarat* و -zara* ایرانی باستان هم توجیه شود، لزوماً بر عنصر فعلی -(t)zara* دلالت نمی‌کند. از آنجا که هیچ ریشه فعلی از چنین صورتی در زبان‌های ایرانی وجود ندارد تنها تفسیر ممکن آن است «بر اساس یک واژه کاملاً جافتاده هرچند نه در زبان اوستایی» (Schmidt, 1980, p. 197) که در پیشنهاد نخست ذکر شد: «دارنده شتران پیر». با این حال، برخی پیشنهادها را دیگر از نظر معنایی موجه‌تر به نظر می‌رسند (قس. Mayrhofer, 1977b, p. 106) به‌ویژه چون «سالخورده»، فارغ از «پیر»، را سخت می‌توان با بار معنایی مثبت دریافت (نک. Mayrhofer, 1977c, p. 89 fn. 22). بنابراین، در تجزیه و تحلیل پایانی مشکل لاینحل باقی می‌ماند. همچنین دیدگاه هومباخ (1991: 8 and 10) مبنی بر اینکه اشاره به نام زرتشت ممکن است از هم‌نشینی واژه نسبتاً مبهم zarəm در بند ۱۷ یسن ۴۴ با واژه uštrəm «شتر» در بند ۱۸ این یسن (با فاصله‌ای حدود سی واژه بین این دو) باشد، راه به جایی نمی‌برد. ریشه‌شناسی‌های دیگری هم پیشنهاد شده است، برخی کاملاً توهمی، ولی هیچ‌یک پایه و اساس علمی ندارند (برای ارجاعات بیشتر نک. Mayrhofer, 1977a, pp. 44-53; Schmitt, 1996, p. 93, n. 37).

Zōroāstrēs یونانی. ارتباط صورت یونانی معیار Zōroāstrēs با Zoroāstra- اوستایی مشکل دیگری ایجاد می‌کند، چون تعبیر قاعده‌مند این صورت اوستایی در زبان یونانی می‌بایست چیزی شبیه صورت Zarathōstrēs* را پدید می‌آورد. صورت Zōroāstrēs را نخست خانتوس لیدیایی (frag. 32 in Jacoby, Fragmente, IIC, p. 758.8) و افلاطون (Alciades Maior 122a1) به کار بردند. این صورت و آنچه از پی آن آمد (Zoroastres لاتین، و شکل یونانی ثانویه Zōroāstris که پلوتارک و دیگران به کار برده‌اند) غالباً شواهد مهمی تلقی می‌شوند،

چون واج دندان‌ی در آنها نیست، و از چند جنبه دیگر هم با صورت اوستایی تفاوت دارند (برای جزئیات نک. Schmitt, 1996: 93-98). با این حال، کوشش‌ها (برای نمونه Markwart, 1930: 24-26 and Werba, 1982: 183 f.) برای جداسازی کامل Zōroástrēs یونانی از Zaraθuštra اوستایی و انگاشتن آن از یک اصل کاملاً متفاوت، شاید تغییر شکل داده شده توسط مغان، ناموفق بوده است.

به نظر می‌رسد که این صورت یونانی برآمده از یک بازتفسیر پاگرفته از اشتقاق عامیانه یونانی باشد، چون بی‌گمان -astr- یادآور واژه یونانی ástra «ستاره» است، و بخش zōro- یادآور zōrós یونانی به معنی «خالص، نیامیخته». ناگفته نماند که این تأثیر دوگانه اشتقاق عامیانه چندان محتمل نیست، به ویژه تا آنجا که معنی و کاربرد zōrós مدّ نظر باشد. به همین دلیل است که گرشویچ (1995: 20 f.) و اشمیت (1996: 96-98) فراوان درباره تعابیر آوایی ریز و پیچیده بحث کرده‌اند. گرشویچ توالی‌ای از تغییرات آوایی را دید که از صورت ایرانی باستان -Zara-uštra* از طریق صورت یونانی -Zarōštrēs* با قلب به -Zōrástrēs* می‌رسید، با این حدس صرف که در مرحله پایانی ترکیب کَلّی واکه -o- در این صورت سه‌هجایی وارد شد. اشمیت هم از صورت -Zara-uštra* ایرانی باستان آغاز کرد، با این حال چنین انگاشت که آن صورت نخست -Zara-óstr(ēs)* یونانی را ایجاد کرد که با فرآیند قلب به صورت -Zaro-ástr(ēs)* تغییر یافت، و باعث ارتباط با ástra یونانی شد (ولی معلول آن نبود)، و سرانجام با تغییر صوری بعدی تحت تأثیر نام Ōromázēs (به‌خاطر هماهنگی آهنگین با آن) به صورت Zōroástrēs درآمد (شواهد بیشتر برای ارتباط این دو نام نیز ارائه شده است).

از آنجا که صورت بازسازی‌شده -Zara-uštra* در ایرانی باستان صرفاً بر اساس Zōroástrēs یونانی است، غیرقطعی و ثابت نشده است، حتی اگر مطابق با نظر عموم باشد.^۱ اگر پذیرفته هم شود، هنوز باید صورت ایرانی باستان مفروض

۱. صورت -Zara-huštra* را هم که در Bartholomae, 1895-1901: 39; and Schlerat, 1977: 133 f. بیان شده است درست انگاشته‌اند، اما صورت -Zaraθuštra- نمی‌تواند تحول قاعده‌مند آن در زمان نخستین شواهد باشد.

Zara-uštra و ارتباط آن با *Zarat-uštra* توجیه شود. به نظر می‌رسد که تنها دو احتمال وجود دارد: یا صورت ایرانی شمال غربی (*zara- (> NPers. zar) به معنی «پیر» جایگزین صورت ایرانی شرقی *zarat* شده است (چنین است (Schlerath, 1977, pp. 129 f. یا *zarat* (از لحاظ واژه‌شناختی؟) به *zara* تعدیل یافته است (در قیاس با ترکیب‌هایی چون Dāraiaṣ.raθa- اوستایی در برابر Dāraya-vauš فارسی باستان).

برخلاف نظر هرتسفلد (1947: 55 f.) و گرشویچ (1964: 28b and 38ab) صورتی که با *zara- آغاز می‌شود به هیچ وجه نمی‌تواند به عنوان صورت گویشی اصیل فارسی باستان در نظر گرفته شود، آن هم در نبود دلیل قانع‌کننده‌ای که نشان دهد تعدیل از این نوع در ترکیب‌هایی از فارسی باستان همچون Dāraya-vauš و Xšaya-ršan- در واقع فرآیندی واژه‌شناختی است نه واج‌شناختی (نک. Schlerath, 1977, pp. 127 ff. حتی مشخص نیست که آیا صورت مفروض (*Zara(t)-uštra-) باید ترکیبی با جزء غالب فعلی در نظر گرفته شود، یا ترکیب دارندگی که با یک صفت آغاز می‌شود. از این رو، تعبیر یونانی این نام در ارائه اشتقاق برای صورت‌های ایرانی مبهم آن ارزش قطعی ندارد و در کاستن از شمار احتمالات متعدد کمکی نمی‌کند.

مفهوم ستاره‌پرستی تنها از صورت یونانی تغییر یافته āstrēs- می‌توانست برآید؛ تعبیر مشابه از این نام، همچون astrothyētēs به معنی «ستاره‌پرست» که دینون^۱ (frag. 5 in Jacoby, *Fragmente*, IIIC: 524.3) ارائه داد، از آن برداشت شد؛ اما آن تفاسیر شبه‌عالمانه فاقد ارزش‌اند.

مدارک ارمنی. مهم‌ترین شواهد نام زرتشت در منابع کلاسیک ارمنی، با ضبط صورت Zradašt (غالباً همراه با گونه Zradešt)، عبارتند از (قس. (Hübischmann, *Armenische Grammatik*, pp. 41 f. no. 74: از نیک

کلبی^۱ (بخش ۱۹۲) و الیشه^۲ (History, p. 162.15) به علاوه صفت zradaštakan «زرتشتی» (pp. 19.3; 143.18)، و موسی خورناسی^۳ (History 1.6, 17-18 pp. 23.15; 55.7; 56.1, 4 f., 14) که زرتشت را شاهی در باختر یا ماد معرفی می‌کند. آندریاس (1910: 872) صورت Zradašt را، که درآمد یک صورت قدیمی‌تر است که با -zur* آغاز می‌شده است، شاهی برای صورت گفتاری فارسی میانه Zur(a)dušt* گرفت، و حتی تا آنجا پیش رفت که از آن نتایجی برای صورت اوستایی گرفت. اما این تردید را نمی‌توان نادیده گرفت که آن صورت قدیمی‌تر با -zur* آغازین تحت تأثیر واژه ارمنی zur «غلط، ناروا، بی‌اساس» بوده، و بنابراین این نام باید بازتفسیر ضدزرتشتی مسیحیان ارمنی بوده باشد. افزون بر این، این را نمی‌توان از نظر دور داشت که صورت (اشکانی یا) فارسی میانه، که ارمنیان (Zaradušt یا چیزی شبیه به آن را) از آن اقتباس کردند، صرفاً صورت تحریف‌شده Zuradašt* ارمنی کهن بوده است.

1. Eznik of Kolb

2. Elišē

3. Mosēs Xorenac'i